



## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار گروهی از خواهران پرستار، به مناسبت ولادت حضرت زینب (س) - 20 مهر/ 1373

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم مناسبت بسیار عزیز و فرخنده ولادت حضرت زینب کبری علیها السلام را به همه زنان مسلمان در سراسر جهان و بخصوص به بانوان محترم و فداکار و زنان برجسته کشور جمهوری اسلامی ایران - مادران و همسران فداکار - تبریک عرض می‌کنم.

یک مطلب به مناسبت روز پرستار عرض می‌کنم و آن این است که: اگر بخواهیم ارزش خدمات مختلفی را که قشرهای مردم به یکدیگر تقدیم می‌کنند، این‌گونه محاسبه کنیم که هر خدمتی که مستقیماً به انسان ارتباط پیدا می‌کند، هر خدمتی که نوعی غمگساری نسبت به انسانهای دیگر است، هر خدمتی که تقدیم کننده آن خدمت رنج بیشتری می‌برد و هر خدمتی که از روی علم و معرفت و آگاهی و تحصیلات است، ارزشش بیشتر است، در این صورت گمان می‌کنم که خدمت پرستاری، جزو ارزشمندترین حرفه‌ها و خدمتگزاریه‌ها خواهد بود. چون پرستار، هم مستقیماً با انسان سر و کار دارد، هم غمگسار انسانی است که به غمگساری و همدردی و کمک او نیاز دارد و هم این که، بحمدالله، کاری از روی دانش و تحصیلات و علم است.

پرستار چون با بیمار سر و کار دارد، با بیداری و دردکشی سر و کار دارد و رنجش بیشتر از دیگران است؛ بنابراین حرفه اش حرفه عزیز و باارزشی است. اینها حقایق است؛ نه این که مردم بخواهند با پرستاران - چه مرد و چه زن - تعارف کنند. واقع مطلب چنین است. وقتی کاری خیلی بزرگ و خیلی عزیز باشد، دو طرف در مقابل آن مسؤولند: یکی مردمند؛ که باید آن کار را عزیز به حساب بیاورند و صاحب آن را معزز بشمارند؛ دیگری خود آن شخص است که این شیء عزیز و این کار بزرگ در اختیار اوست. خود او هم باید آن را گرامی بدارد. من به پرستاران عزیزمان - چه مردان پرستار و چه زنان پرستار - عرض می‌کنم: شما که این توفیق را پیدا کرده اید و این کار بزرگ را برعهده گرفته اید و این خدمت باارزش را انجام می‌دهید، آن را گرامی هم بدانید. نگذارید که خدای ناخواسته، با یک قصور یا تقصیر یا برخورد نامناسب، کاری به این عظمت و ارزشمندی، مخدوش شود. این خدمت را هر چه بیشتر و صحیح تر ارائه دهید، نظام امور زندگی مردم بهتر خواهد شد و اجر و ثواب شما هم بالاتر خواهد بود. خداوند به شما اجر بدهد. و این خدمت بزرگ را برایتان خدمتی با برکت و برای مردم ما یک خدمت مؤثر در پیشرفت آموزش قرار دهد.

خواهران من! موضوع زن و برخورد جوامع با او، مسأله‌ای است که از دیرباز در میان جوامع و تمدنهای مختلف مطرح بوده است. همیشه نصف مردم عالم، بانوان هستند. قوام زندگی در عالم، به همان اندازه که به مردان وابسته است، به همان اندازه هم به زنان وابسته است. زنان، بزرگترین کارهای آفرینش را به طور طبیعی برعهده دارند. کارهای اساسی آفرینش، مانند تولیدمثل و تربیت کودک، در دست زنان است. پس مسأله زنان، مسأله مهمی است و از دیرباز، در جوامع، در بین متفکرین و در اخلاق و عادات گوناگون ملتها وجود داشته است. اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشداری به همه مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که به خاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و احیاناً تحقیر قرار می‌دادند، به کثرتی سرجای خود نشانند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: «ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات...» مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متعجب، زن متعجب.



پس، در اسلام همه این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «من ذکر او انثی»؛ چه مرد باشد و چه زن، «فلنحییته حیاتاً طیبه».

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آن جا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازمتر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه فرزند نسبت به مادر سنگینتر است.

روایات فراوانی در این زمینه هست: پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من ایر؟» (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «امک». یعنی «به مادرت». دفعه دوم هم همین را فرمود؛ دفعه سوم هم همین را فرمود. دفعه چهارم که سؤال کرد، فرمود: «اباک». یعنی «به پدرت». پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه با فرزندان، حق سنگینتری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد. بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل می کنند.

این هم عدل الهی است. زحمت بیشتر است؛ پس حق هم بیشتر است. ناراحتی بیشتری تحمل می کند؛ پس ارزشش بالاتر است. همه اینها از روی عدالت است. در مسائل مالی، مثل حق خانواده و حق سرپرستی خانواده در مقابل وظیفه اداره خانواده، روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامی، در این چیزها هم نگذاشته است که ذره ای به زن یا به مرد ظلم شود. حقی برای مرد و حقی هم برای زن قرار داده است. یک وزنه در کفه مرد قرار داده و یک وزنه هم در کفه زن قرار داده است. کسانی که اهل مذاقه در این امور هستند، اگر دقت کنند، اینها را می بینند. در کتابها هم نوشته اند. امروز خانمهای اندیشمند و فاضل ما، بحمدالله این مسائل را بهتر از دیگران و بهتر از مردان می دانند و تبلیغ و بیان می کنند. این هم درباره حقوق مرد و زن.

یک نکته اساسی هم وجود دارد که در آن اسلام ایستادگی کرده است و آن این است که در طول زمان، چون اخلاق مردان خشن تر و اراده آنان در برخورد با مشکلات قویتر و جسمشان سنگینتر بوده است، لذا کارهای مهم و مسؤولیتهای گوناگون را در دست داشته اند و این، به مردان امکانی برای سوء استفاده کردن از جنس مخالف - به نفع خودشان - داده است. شما نگاه کنید ببینید که کدام یک از سلاطین، ثروتمندان و پولداران و زرمندان و زورمندان در دربارها و دستگاههایشان، با داشتن پول و مقام و قدرت، به نحوی از انحا، دست به سمت تعرض و تخطی و سوءاستفاده از زن دراز نکرده اند؟!

اسلام در این جا، با کمال قدرت و قوت ایستاده است و بین زن و مرد در جامعه، مرزی قرار داده است. از نظر اسلام، هیچ کس حق ندارد که این مرز را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است. رابطه زن و مرد در محیط خانواده به گونه ای است، و در محیط جامعه، به گونه ای دیگر است. اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی ای با خوشبختی ادامه می یابد و می تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این جا اسلام سختگیری کرده است. اگر آن حد و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سختگیری می کند؛ درست نقطه مقابل آنچه که شهوترانان عالم می خواسته اند و عمل می کرده اند. قدرتمندان و زورمندان و مردشان، زنشان و زبردستهایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی می کرده اند، همیشه عکس این عمل می کرده اند. آنها مایل بوده اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضر و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زیانبار و بخصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می کند.



اسلام به خانواده اهمیت می دهد. تمام دعوای امروز بلندگوها و بوقهای تبلیغاتی غربی با مسلمین هم بر سر همین است. شما ببینید که در مقابل «حجاب» چه حساسیتی نشان می دهند! این حجاب اگر در جمهوری اسلامی باشد، آن رزق می شمارند. اگر در دانشگاههای کشورهای عربی باشد، که دختران جوان دانشجوی، با معرفت و آگاهی و با میل و اختیار خود به حجاب روی آورده اند، حساسیت نشان می دهند. اگر در بین احزاب سیاسی باشد، حساسیت نشان می دهند. اگر در مدارس و حتی دبستانهای کشورهای خودشان هم باشد - با این که زیردست خودشان است - حساسیت نشان می دهند. پس، نقطه دعوا در این جاست. البته در تبلیغاتشان، دائم فریاد می زنند که حق زن در اسلام یا در جمهوری اسلامی، پایمال شده است. خودشان هم به این قضیه اعتقادی ندارند و می دانند که حق زن در جمهوری اسلامی تضعیف نشده، بلکه تقویت شده است. شما نگاه کنید و ببینید که تعداد محصلین و دانشجویان زن - دختران تحصیل کننده در مراکز عالی - امروز در ایران بیشتر است یا در دوران حکومت طواغیت بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. تعداد دانشجویان دختر برجسته و دارای نمره اول در تحصیلات، امروز بیشتر است یا در آن زمان بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در مراکز پزشکی و درمانی و در مراکز گوناگون علمی در این کشور مشغول کار و تحقیق هستند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. عده زنانی که در صحنه سیاست کشور و در عرصه های مجامع بین المللی حضور قدرتمند پیدا می کنند و در آن جا از حقوق و نظرات این کشور و این ملت - که کشور خود و ملت خودشان است - دفاع می کنند، امروز بیشتر است یا آن روز بیشتر بود؟ می بینید که امروز بیشتر است. آن روز زنان با هیأت‌های مختلف به مسافرت‌های گوناگونی می رفتند؛ اما تشریفاتی بود. برای هوسرانی و نشان دادن سر و کول خودشان به این و آن بود. لکن زن مسلمان امروز، در مجامع جهانی، در کنفرانس‌های گوناگون جهانی، در مراکز علمی و در دانشگاه‌ها، حضور علمی یا سیاسی یا خدماتی دارد. اینها ارزش دارد.

آن روز دخترانی را به عنوان «دختر نمونه» و «دختر شایسته»، از آغوش گرم و عفیف خانواده‌ها بیرون می کشیدند و در منجلاب فساد فرو می کردند. اما امروز، چنین چیزی نیست. حق زن در کجا ضایع می شود؟ در جایی که جلو تحصیلات زنان گرفته شود؛ جلو اشتغال زنان به کارهای متناسب با بانوان گرفته شود؛ جلو خدمت رسانی زنان یا خدمت رسانی به زنان گرفته شود و نیز در جایی که زن تحقیر شود. بروید به جوامع امریکایی نگاه کنید! خواهید دید که در آن جا زن تحقیر می شود. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقیر می شود. حق مادری، به این شکلی که در مراکز اسلامی هست، در آن جا معنا ندارد.

جمله ای در یک سخنرانی معروف در یک مرکز بین المللی - که نمی خواهم خصوصیات آن را در این جا ذکر کنم - راجع به خانواده گفته شد. گزارشهایی که از آن جا به ما رسید، حاکی از این بود که مردم آن کشور، نسبت به همان جمله، به شدت علاقه نشان داده بودند؛ به خاطر این که وضع خانواده در آن کشورها از هم پاشیده است. آنجا به زنان ظلم می شود؛ اما این جا، آن مرز بین زن و مرد وجود دارد. معنای آن مرز هم این نیست که زنان و مردان در یک محیط تحصیل نکنند، در یک محیط عبادت نکنند، در یک محیط کار نکنند و در یک محیط خرید و فروش نکنند - که این قبیل موارد، فراوان است - بلکه معنایش این است که حد و حدودی در اخلاق معاشرتی خودشان قائل باشند. و این کار بسیار خوبی است. زن در این جا حجاب خودش را حفظ می کند. مردم ما چادر را انتخاب کرده اند. البته ما هیچ وقت نگفتیم که «حتماً چادر باشد، و غیرچادر نباشد.» گفتیم که «چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است.» ولی زنان ما می خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست.

خانم‌های باسواد مسلمان مؤمن درسخوانی که یا مشغول تحصیلند و یا در دانشگاه‌ها بهترین علوم را در بالاترین مدارج تدریس می کنند، زیادند و این برای نظام اسلامی مایه افتخار است. خانم‌هایی هستند که بحمدالله بالاترین تخصص‌ها



را در پزشکی و در علوم گوناگون - در زمینه علوم انسانی، در زمینه علوم تجربی و در زمینه علوم گوناگون دیگر دارند. خانمهایی هستند که در زمینه علوم دینی پیشرفت کرده و به مراتب بالا رسیده اند. یک روز یک خانم بزرگوار در ایران - در اصفهان - بود، به نام «بانوی اصفهانی» که خانم بسیار عالی مقامی بود. مجتهد و عارف و فقیه بود. اما فقط او بود. امروز، بحمدالله دختران جوانی که در آینده نه چندان دور به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی می رسند، بسیاریند. اینها افتخار نظام اسلامی هستند؛ و پیشرفت زن یعنی این.

غرب می خواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی بندوباری و این شکل فضاحت آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روزبه روز افزایش پیدا می کند. و الا حتی تا چهل، پنجاه سال پیش، در خود کشورهای غربی، به این شدت نبود. آنها می خواهند همان فساد و بی بندوباری را که خودشان گرفتارش شده اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند. ولی ما این را نمی خواهیم. این، برای زندگی اجتماعی مضر است و برای آنها هم مضر است. هر جا باشد، مضر است. روش اسلامی برای ما بهترین است. زنان ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده اند که در آن چیزهایی که معیار واقعی زندگی و ارزش و برجستگی آنهاست، در سطوح عالی قرار دارند. مادری که فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف - هدفی که برای او مقدس است و پیش خدا هم مقدس است - تقدیم می کند و خم به ابرو نمی آورد، یک عمل برجسته انجام داده است و این امر کوچکی نیست. این را با هر معیار و میزانی اندازه گیری کنید، با عظمت است. زن جوانی که حرمت همسرش و خودش را به مدت ده، یازده سال که همسرش در زندانهای دشمن اسیر بوده، باکمال عفت و سربلندی و پاکدامنی حفظ کرده است، آیا کارش ارزش نیست؟! اینها ارزشند.

زنان ما در میدان جنگ حضور پیدا کردند؛ در میدان بازسازی حضور پیدا کردند و در میدان نشان دادن قدرت روانی، از همه بیشتر فعالیت کردند. بهترین کسانی که در جو تبلیغات گوناگون دشمنان ایستادند، بانوان کشور ما بودند. تبلیغات دشمنان، به شکلهای مختلف انتقاد، کاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است. متأسفانه بعضی از قلم به مزدهای داخلی خودمان هم که گویی با انقلاب پدرکشتگی دارند، در فلان مجله و فلان نشریه، این چیزها را می نویسند. بعضی با شبنامه و بعضی با نشریات آشکار و مجاز تبلیغات می کنند. به افراد پول می دهند که در صف فلان جنس یا در اتوبوس بایستند و بدگویی کنند. این پولها را هم برای شایعه پراکنی و خراب کردن جو خرج می کنند. بهترین کسانی که در چنین جوی ایستادند، بانوان کشور ما بودند؛ همین زنان مؤمن که بحمدالله و به کوری چشم دشمنان، عده شان هم فراوان و فراوان است و اکثریت زنان ما را تشکیل می دهند.

این همان جامعه زن زینبی و فاطمی است. این همان تربیت اسلامی و نظام اسلامی است. ارزش، برجستگی و آزادی زن، اینهاست. البته زنان کشور ما بدانند که برای پیشرفت و ترقی، هنوز خیلی جا دارند. من از بانوان کشورمان - چه خانمهایی که در حال تحصیلند؛ چه خانمهایی که فارغ التحصیلند؛ چه خانمهایی که در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و خدماتی حضور دارند؛ چه خانمهایی که در بخشهای مختلف مسئولند و مسؤولیتهایی دارند و چه خانمهایی که در خانه ها هستند، اما دلشان به نور و روحیه انقلاب زنده است و محیط خانه ها را محیط اسلامی نگه می دارند - خواهش می کنم که درباره نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه خودشان، باز هم فکر کنند. در باره تشکلهای سیاسی، کارهای علمی، خدمات ارزشمند، بالابردن سطح معرفت و معلومات و ایستادگی در مقابل دشمنان در همه مراکز و میدانهایی که ایستادگی در آنها مؤثر است، فکر کنند. شما ببینید که امروز دشمن، آشکار و پنهان و چقدر وحشیانه، به مقدسات اسلام حمله می کند. در تمام طول پانزده سال - چه آن ده سالی که در زمان حیات بابرکت امام بزرگوار، رضوان الله تعالی علیه بود، چه بعد از آن تا امروز - دشمنان نظام اسلامی، یک لحظه از نیت



ضربه زدن به جمهوری اسلامی، منصرف نشده اند. اگر گاهی هم می بینید که به ظاهر ساکتند، در حال توطئه اند. اگر می بینید که بحمدالله نظام اسلامی، مستحکم سرجای خود ایستاده است، بدین علت است که ضربه آنها کارگر نشده است؛ نه این که آنها ضربه نزده اند.

بعضی از سردمداران نابخرد امروز استکبار جهانی، حرفها را صریحاً بیان می کنند؛ بعضی هم نمی گویند و پنهان نگه می دارند. غالب حوادثی که در منطقه ما اتفاق می افتد، جهتش به نحوی از انحا ضربه زدن به اسلام و نظام اسلامی و ملت مسلمان است. همین قضایای این روزها - لشکرکشی امریکاییها به خلیج فارس، آمدن تفنگداران و ناوهای هواپیمابر و تبلیغات جنجالی در مقابل تحرک عراق و خود تحرک نظامی عراق - به نظر ما، کارهایی به شدت مشکوک، و به شدت مورد سوء ظن اند. معلوم است که استکبار جهانی در فکر آن است که به هر نحو که می تواند، پای خود را در این منطقه محکم کند. روزی انگلیسیها در خلیج فارس حاکمیت مطلق داشتند که بحمدالله حرکت اسلامی و بیداری ملت ایران و حوادث گوناگون، آنها را از خلیج فارس تار و مار کرد. امروز هم امریکاییها می خواهند در آن جا، جای پای از دست رفته خودشان و انگلیسیها را مجدداً پرکنند.

شما در خلیج فارس چه کار دارید؟! امنیت خلیج فارس به شما چه مربوط است که از آن سر دنیا بلند می شوید، می آید و در این طرف عالم دخالت می کنید؟! می گویند «ما در این جا منافع داریم.» این هم شد حرف، که هر کشوری در امور کشورهای دیگر دخالت کند و بگوید «ما منافع داریم»؟! پس قوانین بین المللی برای چیست؟! پس این سازمان ملل با این عرض و طول، برای چیست؟! پس این همه ادعای قطعنامه های جهانی و کنوانسیونهای بین المللی برای چیست؟! همه اینها برای این است که یک دولت قلدر زورمند، نتواند به بهانه این که من در فلان جا منافع دارم، بلند شود راه بیفتد و به سراغ فلان کشور یا فلان منطقه یا فلان دریاچه یا فلان خلیج یا فلان آبراه مهم بین المللی برود. شما به چه مناسبت در منطقه ای که به شما هیچ ارتباطی ندارد - یعنی در خلیج فارس - به بهانه این که «عراق می خواهد و نیت دارد لشکرکشی کند» - و عراق هم مرتب منکر می شود - با این حجم عظیم حضور می یابید؟!!

اینها مسائلی است که ملت ایران باید نسبت به آنها حساس باشد. کسانی که تصوّر می کنند دشمن به خواب رفته است، خیال نکنند با خیال خوش می شود زندگی کرد! امیرالمؤمنین فرمود: «من نام لم ینم عنه.» یعنی چشمهای کسانی که هدف بزرگ و طبعاً دشمنان بزرگی دارند، به خواب نرود! همه فریاد امام بزرگوار ما در طول این مدت برای این بود که ملت ایران نسبت به حوادث عالم، حساسیت خود را از دست ندهد. امروز هم این حساسیت باید باشد و بحمدالله هست. در سرتاسر این کشور، جوانان مؤمن و حزب اللهی؛ خانواده های به شدت پایبند به اصول انقلاب؛ زنان مؤمن؛ مردان مؤمن؛ دلهای قوی و روحیه های بالا، در همه صحنه ها آن قدر هستند که به فضل پروردگار می توانند از اسلامشان، از جمهوری اسلامی شان، از حیثیتشان و از استقلال کشورشان در مقابل هر دشمنی دفاع کنند. امیدواریم خداوند متعال، شما خانمها و بانوان محترم را که هر کدام در بخشی از کارهای این کشور - چه کارهای دانشگاهی، چه کارهای خدماتی، چه کارهای علمی و چه کارهای سیاسی - مشغول تلاشید، موفق و مؤید بدارد و ان شاءالله الگویی زینب کبری سلام الله علیها، همیشه در مقابل چشم مرد و زن ما، زنده و مجسم باقی بماند. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.